

خاویار دریای مازندران به موزه می رود

همايون دارایی

نسل ماهیان خاویاری دریای مازندران اینک در خطر انقراض است. این خطر چنان جدی است که ۱۸۴ کشور عضو «کنوانسیون تجارت گونه‌های در معرض خطر» (Cites) به دو کشور ایران و روسیه اعلام کرده‌اند اگر تا ۳۱ دسامبر (۱۱ دی ماه) سال میلادی جاری به توافقی بر سر سهمیه صید ماهی استروژن (Sturgeon) دست نیابند خرید محصول خاویار این دو کشور را در سطح بین‌المللی ممنوع خواهند کرد. همچنین براساس مقررات کنوانسیون مزبور، تمام صادرات خاویار از این پس باید با مجوز این کنوانسیون و با تأیید مقام‌های علمی و اجرایی کشور صادرکننده انجام شود. علاوه بر این‌ها، کشورهای تولیدکننده باید سهمیه صادرات سالانه هرگونه خاویار را به این کنوانسیون اعلام کنند.

دریای مازندران به عنوان بزرگ‌ترین زیستگاه تاسماهیان جهان، حدود ۹۰ درصد ذخایر این گونه از ماهیان را در خود جای داده است اما متأسفانه از سال ۱۹۸۵ میلادی تاکنون ۸۵ درصد این ذخایر از میان رفته و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۰۱ نیز این روند تشدید خواهد شد. وضع ذخایر ماهیان خاویاری دریای مازندران به حدی وخیم است که از آوریل ۱۹۹۸ ماهی استروژن در فهرست حیوانات در حال انقراض قرار داده شد. مهم‌ترین دلایل بروز چنین وضعیتی را می‌توان در سه عامل صید بی‌رویه کشورهای حاشیه دریای مازندران، مافیای قاچاق خاویار و آلودگی دریای مزبور جستجو کرد. (ترجمه گزارش‌های از شماره ۱۵ ژوئن ۱۹۹۸ هفته‌نامه نیوزویک که در شماره ۹۲ این ماهنامه - صفحات ۱۲۲-۱۲۰ چاپ شد، ابعاد برداشت بی‌ضابطه خاویار و مافیای قاچاق آن را به خوبی تصویر کرده است.)^(۱)

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل جمهوری‌های مستقل در کناره دریای مازندران تمامی مقررات برنامه‌های مربوط به حفظ ذخایر ماهیان استروژن متوقف شد، به گونه‌ای که میزان بازسازی ذخایر ماهیان از طریق آزادسازی بچه ماهیان خاویاری از رقم ۷۰ تا ۱۰۰ میلیون قطعه در سال به کمتر از ۴ تا ۵ میلیون قطعه کاهش یافت. - اگرچه ایران همانند گذشته هنوز سالی ۲۵ میلیون قطعه بچه‌ماهی رهاسازی می‌کند. - کاهش رهاسازی بچه‌ماهی تأثیر عمیقی

بر کاهش ذخایر داشته است. به موازات این کاهش منافع اقتصادی فروش خاویار در بازار بین‌المللی سبب شده است که بسیاری از کشورهای تازه استقلال یافته، راه حل خروج از تنگناهای ارزی خویش را در صید ماهیان استروژن و استحصال خاویار جستجو کنند، به همین دلیل هم در ۵ سال دهه نخست دهه ۹۰ میلادی میزان استحصال خاویار براساس آمار رسمی رشد چشمگیری یافت (جدول یک میزان استحصال خاویار در سال‌های اخیر را نشان می‌دهد).

جدول یک - میزان استحصال خاویار

سال	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۱۹۹۹
استحصال	۳۰	۳۵	۳۰	۵۶	۴۰

* ارقام به هزار تن

بهای خاویار در سطح بین‌المللی به غیر از دولت‌های حاشیه‌ای، اشتباهی مافیای قاچاق خاویار را نیز تحریک کرده است، به طوری که مافیای روسیه هم اکنون نقش عمده‌ای در انقراض نسل ماهیان خاویاری ایفا می‌کند. چنین مشارکتی سبب شده مخالفت‌ها و اقدام‌هایی برای متوقف کردن مخالفت با این روند آغاز شود، از جمله در سال ۱۹۹۹ میلادی انگلستان ورود بیش از ۲۵۰ گرم خاویار به این کشور را نیازمند اخذ مجوز قبلی اعلام کرد. برای بسیاری از کشورهای تازه استقلال یافته نرخ‌های از ۵۴۰ مارک برای هر کیلوگرم در اروپا تا ۶۵ دلار برای هر ۳۰ گرم در آمریکا بسیار وسوسه‌انگیز است، به گونه‌ای که در این کشورها سود حاصل از استحصال خاویار با درآمدهای حاصل از منافع جنجالی نفت برابری می‌کند. به عنوان نمونه، در جمهوری آذربایجان صادرات روزانه ۱۰۰ هزار بشکه نفت از طریق خط لوله باکو - سوسپا با احتساب هزینه حمل و نقل و استخراج در سال گذشته درآمدی بالغ بر ۱۸۲/۵ میلیون دلار برای این کشور داشته که این رقم معادل ارزش ۳۶۵ تن خاویار است، حال آنکه هر کشور حاشیه دریای مازندران سالانه حداقل رقمی بیش از دو برابر این میزان خاویار تولید می‌کند. افزایش سرسام‌آور قیمت خاویار نیز یکی از علل کوشش جنون‌آمیز دولت‌های حاشیه دریای مازندران و مافیای بین‌المللی و منطقه‌ای برای صید ماهی و برداشت خاویار است، زیرا قیمت

خاویار در سال‌های اخیر تقریباً سه برابر شده است. در کنار عوامل اقتصادی، مسایل محیط زیستی نیز نقش عمده‌ای در نابودی گونه‌های خاویاری خزر دارد. در حال حاضر در گستره ۳۰۷ هزار کیلومتری دریای مازندران دهها چاه نفت دایر و فعال است. این چاه‌ها همراه با آلودگی شیمیایی ناشی از فاضلاب صنعتی و شهری که در بعضی مناطق سبب آلودگی شدید و فاجعه‌آمیز مناطق ساحلی شده، به نسل ماهیان استروژن تأثیر مخرب داشته است. میزان آلودگی دریای مازندران از حد مجاز گذشته و در سواحل روسیه آلودگی به ۵ برابر حد مجاز و در سواحل آذربایجان به ۲۰ برابر این حد رسیده است.

وجود نفت در آب‌های ساحلی کشورهای تولیدکننده نفت خام در دریای مازندران، از جمله ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان از جمله دلایل دیگر انقراض نسل تاسماهیان دریای مازندران قلمداد می‌شود.

هم‌اکنون میزان نفت در سواحل قزاقستان ۱۱ برابر حد تحمل موجودات زنده است. این آلودگی‌ها ضمن تأثیرگذاری منفی بر بقای نسل ماهیان خاویاری، باعث به خطر افتادن حیات گونه‌های مختلف ماهی و پستانداران دریایی از جمله فک خزری نیز شده است.

نسل ماهیان خاویاری دریای مازندران اینک همانند گنج‌هایی بارز در حال غارت از سوی کشورهای حاشیه‌ای قرار دارد. غارتی که اگر به همین سرعت ادامه یابد به زودی سبب انقراض نسل این ماهیان خواهد شد و نسل حاضر هم باید نمونه‌های تاسماهیان و خاویار آنها را فقط در موزه‌ها مشاهده کند! ایجاد کمیسیون مشترک از کشورهای حاشیه‌ای و تهیه طرحی در قالب سازمان اکو (Eco) برای سازمان‌دهی و برداشت و معامله خاویار و تعیین سهمیه هر کشور در مجموعه یکپارچه‌ای از صید و تلاش برای بازسازی ذخایر تاسماهیان، از جمله کارهایی است که می‌تواند از نابودی یکی از منحصر به فردترین گونه‌های جهانی جلوگیری کند. اگرچه به نظر نمی‌رسد با توجه به جو موجود در میان کشورهای حاشیه‌ای و عدم احساس مسئولیت جمعی در مورد وقایع مرتبط با دریای مازندران، تحقق چنین توافق‌هایی آسان باشد.